

کارویژه‌های ولیّ فقیه در معنابخشی به انتظار پویا (نگرشی نو به انتظار در عملکرد و بیانات رهبر معظم انقلاب)

کوثر سادات هاشمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۳

چکیده

انتظار سازنده و پویا در عصر غیبت، همه مسلمانان را به وظایفی مکلف می‌سازد و در مقابل جریانی قرار دارد که انتظار را به ایستایی و رکود معنا می‌کند. از اعتقادات شیعه اثنی عشری این است که در دوران غیبت امام معصوم، مجتهد جامع‌الشرایط، نایب عامّ امام خواهد بود که در اصطلاح، «ولیّ فقیه» نامیده شده است. ولیّ فقیه نیز مسئولیت‌هایی را به عهده می‌گیرد که با جایگاه و صفات او تناسب دارد. عملکرد ولیّ فقیه را می‌توان از جهات مختلفی مطالعه کرد؛ همچون جنبه دینی، سیاسی، فرهنگی، فردی، اجتماعی. این پژوهش به دنبال آن است که کارویژه‌های ولیّ فقیه را در معنابخشی به انتظار پویا بازشناسد. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که ولیّ فقیه در ایجاد و حفظ نظام اسلامی، کادرسازی برای حکومت جهانی مهدوی، حفظ اتحاد مسلمانان و گسترش آموزه‌های مهدوی در سطح بین‌الملل، اعمالی را انجام می‌دهد که دیگران شرایط و توانایی عمل به آن را ندارند. این پژوهش در جمع‌آوری مطالب از شیوه کتابخانه‌ای و در پردازش داده‌ها از روش توصیفی و تحلیلی استفاده کرده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، انتظار پویا، ولیّ فقیه، کارویژه ولیّ فقیه.

مقدمه

هر جامعه‌ای که به بلوغ فکری و عقلی رسیده باشد، به ضرورت وجود حاکم پی می‌برد. در ادبیات دینی، از او با عنوان نبی و امام یاد می‌شود. علاوه بر وظایفی که عقل حکم می‌کند رهبر یک اجتماع باید از آن برخوردار باشد، امور دیگری نیز از جانب شرع بر عهده او قرار می‌گیرد. در

۱. طلبه سطح چهار کلام اسلامی جامعة الزهراء (ع.ا.س)، قم، ایران (k.s.hashemi.71@gmail.com).

عصر غیبت که ائمت از رهبری ظاهری امام معصوم محروم است، به حکم ضرورت و به توصیه شریعت، از نایب عامّ او پیروی می‌کند که اصطلاحاً «ولی فقیه» نامیده می‌شود. شئون دینی، سیاسی، علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در دوران حضور معصومین از آنها ظاهر می‌شد، در عصر غیبت بر عهده ولی فقیه قرار می‌گیرد. عملکرد ولی فقیه در هر یک از این حوزه‌ها قابل تحقیق است. یکی از حوزه‌هایی که ولایت فقیه به آن معطوف می‌شود، نقش و جایگاه ولی فقیه در امر ظهور موعود است. انقلاب اسلامی و برپایی حکومت با تکیه بر ولایت فقیه، سرآغازی شد بر ظهور مسائلی که پیش از آن مغفول مانده بود. در زمان گذشته، عده زیادی انتظار را در جامعه اسلامی به امور فردی محدود می‌کردند. نظام اسلامی مفهوم انتظار را به سطح ملّی و فراملّی گسترش داد. در سطح ملّی با جریان انداختن تعالیم دینی و احکام شرعی و در سطح بین‌الملل با گسترش مفهوم عدالت، مقابله با استکبار و حمایت از مظلومان به انجام این مهم پرداخت. در این میان، نقش ولی فقیه و اعمالی که از او انتظار می‌رود، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. پژوهش حاضر به دنبال دریافت پاسخ به این سوال است که کارویژه‌های ولی فقیه در معنابخشی به انتظار پویا چیست و چه اقسامی دارد؟ و در راستای آن به این سؤالات پاسخ می‌دهد که انتظار به چه معناست و چه انواعی دارد؟ ولی فقیه کیست و باید دارای چه ویژگی‌های باشد؟

مفهوم‌شناسی

مناسب است پیش از ورود به بحث، واژگان مهمّ تحقیق به صورت دقیق، مفهوم‌شناسی شوند.

۱. انتظار

برای شناخت مفهوم انتظار، ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس انواع انتظار تبیین خواهد شد.

الف) معنای انتظار

انتظار در لغت به معنای توقّع حضور کسی را داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۹؛ مهیار، ۱۳۷۵ش: ۱۴۰) و چشم به راه بودن و نگران بودن است (معین، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۳۶۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۳، ۳۴۵۴). انتظار، کیف نفسانی است که وقتی انسان از وقوع حادثه‌ای در آینده آگاه می‌شود، برای او پیش می‌آید. این حالت، موجب می‌شود که انسان، خود را برای آن

حادثه آماده سازد(موسوی اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۷۶).

مفهوم انتظار در اصطلاح کلامی برگرفته از روایات و همان چشم داشتن به وعده الهی است که با سعی و تلاش در آماده ساختن روح و جسم خود و جامعه همراه می شود. امید به تحقق این نوید جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است (مطهری، بی تا: ج ۲۴، ۴۰۶).

ب) انواع انتظار

انتظار گاه درباره به وقوع پیوستن امری است که در توان انسان نیست و نمی توان آن را جلو یا عقب انداخت. این قسم از بحث فعلی خارج است. نوع دیگر، انتظار امری است که انسان می تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند (آصفی، بی تا: ۲۲). عکس العمل انسان در انتظاری که می تواند در آن نقش داشته باشد، از دو حال خارج نیست: انتظار ایستا و ساکن و انتظاری که سازنده و تحرک بخش است.

در توضیح انتظار سازنده و پویا می توان گفت، از آیات قرآن کریم و روایات استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَحْوِيلَ حلقه ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود (همان). مانند آیه: «خداوند به مؤمنان و شایسته کاران شما وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد» (نور: ۵۵).^۱ آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، مستحق وعده الهی هستند، نه کسانی که به گناه خو گرفته اند. روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است، مبنی بر این که امر ظهور تحقق نمی پذیرد مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. «این امر (قیام) جز پس از ناامیدی، برای شما رخ نمی دهد و به خدا سوگند، تا آنگاه که از هم جدا و ناب شوید و از آزمون به در آید و به خدا سوگند، تا آن گاه که هر کس باید شقی شود، بشود و آن که باید سعید شود، به سعادت در آید»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۶). پس ملاک این است که گروه سعید و گروه اشقیاء به نهایت کار خود برسند؛ سخن در این نیست که افراد صالح و سعادت مند در کار نباشند و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»
۲. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِسَاءٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَخَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعَدَ مَنْ سَعَدَ.»

۲. ولی فقیه

آگاهی یافتن از مفهوم لغوی و اصطلاحی ولی فقیه و ویژگی‌های او، ذهن را برای دریافت نتیجه بحث آماده می‌سازد.

الف) مفهوم‌شناسی ولی فقیه

راغب اصفهانی می‌نویسد: ولایت به کسر واو به معنی یاری‌گری و با فتح واو به معنی حاکمیت و متولّی مردم است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴:ق: ۵۳۳). «ولّی» به معنی نزدیکی و قرب و «تولّی» به معنی سرپرستی و دوست اخذ نمودن نیز معنا شده؛ «ولّی» سرپرست و اداره‌کننده امر دیگران و نیز به معنی دوست بسیار نزدیک نیز هست (قرشی، ۱۴۱۲:ق: ۷، ۲۴۵).
 فقه به معنی علم به احکام شریعت است، وقتی به انسانی نسبت داده شود، به معنی کسی است که در علم دین عالم شده باشد. تفقه یعنی در طلب علم دین بودن تا در آن تخصص یابد. آیه شریفه نیز به همین معناست:

تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند (توبه: ۲۲)^۱ (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴:ق: ۳۸۴).

مراد از تفقه در این آیه، فهم جمیع معارف دینی اعم از اصول و فروع دین است؛ نه خصوص احکام عملی (طباطبائی، ۱۴۱۷:ق: ۹، ۴۰۴).

ولایت فقیه براساس تعریف‌هایی که فقیهان از آن ارائه داده‌اند، به معنای سرپرستی، تسلط و تصرف مجتهد جامع‌الشرايط در امور دیگران (انصاری، ۱۴۱۵:ق: ۳، ۵۴۵) و به عبارت دیگر، مدیریت جامعه اسلامی به منظور اجرای احکام اسلامی و تحقق ارزش‌های دینی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸:ش: ۱۲۹).

ب) ویژگی‌های ولی فقیه

برخی گمان برده‌اند که ولی فقیه به تناسب جایگاه ویژه‌ای که در آن قرار گرفته، از ویژگی‌هایی نظیر عصمت برخوردار است و برخی از روی عنادورزی یا فهم نادرست، جایگاه ولی فقیه را در حدّ یک حاکم محلی تنزل دادند. صحیح‌تر آن است که دیدگاه میانه‌ای پیش گرفت و شرايطی را برشمرد که علاوه بر وجوه حاکمیتی، به مناسبات دینی رهبری جامعه اسلامی نیز توجه شده باشد. کسی که در عصر غیبت، ولایت را از سوی خداوند برعهده دارد، باید قانون

۱. «لیتفقّوها فی الدین».

الهی را بشناسد، استعداد و توانایی تشکیل حکومت برای تحقق دادن به قوانین فردی و اجتماعی اسلام را دارا باشد و امانتداری، عدالت، اجرای دستورهای اسلام و رعایت حقوق انسانی و دینی افراد جامعه را از خصائص خود قرار داده باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش: ۱۵۲-۱۵۳).

برابر آنچه در قانون اساسی آمده است، شرایط و صفات رهبر عبارتند از: صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری (اصل ۱۰۹).

کارویژه‌های ولی فقیه در معنابخشی به انتظار پویا

با معین نمودن ویژگی‌های ولی فقیه، روشن می‌شود که آنچه از او انتظار می‌رود نیز در محدوده همین صفات است. به عبارت دیگر، آنچه بر عهده ولی فقیه گذاشته می‌شود، مقداری است که از عهده انسان غیرمعصوم برمی‌آید؛ البته انسانی که به حکم خردورزی، تقوا، مشورت با صاحب نظران و برخورداری از صلاحیت‌های علمی، از لغزش‌های متعدّد در امان می‌ماند.

امام خمینی رحمته الله علیه در مقام تبیین ولایت عامّه یا مطلقه فقیه می‌نویسد:

همه اختیاراتی که در خصوص ولایت و حکومت برای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معین شده، عیناً برای فقیه نیز معین و ثابت است (موسوی خمینی، بی تا (الف): ج ۲، ۶۲۶).

پیش از امام خمینی نیز، علمای دیگر به این مطلب پرداخته بودند (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۳۶). ایشان برای پیشگیری از برداشت‌های ناروا می‌نویسد:

اگر ولایتی، از جهت دیگر غیر از زمامداری و حکومت، برای ائمه علیهم السلام معین و دانسته شود، در این صورت، فقها از چنین ولایتی برخوردار نخواهند بود (موسوی خمینی، بی تا (الف): ج ۲، ۶۵۴).

بنابراین ملاک تعیین مسؤلیّت در ولی فقیه، حاکمیت او عنوان شده است.

وظایف ولی فقیه را می‌توان از جنبه‌های مختلف تحقیق کرد؛ همچون شئون فقهی و

۱. «فللفقیه العادل جمیع ما للرسول و الأئمة علیهم السلام؛ ممّا یرجع إلى الحكومة و السياسة، و لا یعقل الفرق». ۲. «کلّ ما کان للنبی و الإمام - الذین هم سلاطین الأنام و حصون الإسلام - فیہ الولاية و کان لهم، فللفقیه ایضاً ذلک، إلاّ ما أخرجہ الدلیل من إجماع أو نصّ أو غیرهما». ۳. «إذا ثبتت لهم علیهم السلام ولاية من غیر هذه الناحية فلا».

حقوقی که به اصل ۱۱۰ قانون اساسی و مفاد آن منتهی می‌شود، عملکرد دینی که برخاسته از جایگاه علمی ولیّ فقیه در معارف دینی و درجه اجتهاد اوست، شئون سیاسی او با توجه به حکومت و رهبری در کشورداری شکل می‌گیرد، عملکرد اجتماعی ولیّ فقیه نیز عرصه‌ای دارای اهمیت است؛ همچنین می‌توان این امور را با توجه به هدف خاصی پیگیری نمود. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، کارویژه‌هایی است که در زمان غیبت، ولیّ فقیه توانایی انجام آن را دارد و از میان اعمال مختلفی که بر عهده ولیّ فقیه گذاشته شده، به مواردی پرداخته می‌شود که با انتظار و آماده‌سازی برای ظهور ارتباط مستقیم می‌یابد و تمام این امور ناشی از شأن حاکمیتی اوست.

۱. کارویژه ولیّ فقیه در ایجاد و حفظ نظام اسلامی

آنچه از جانب ولیّ فقیه انجام می‌پذیرد و در راستای تشکیل و بقاء نظام اسلامی است، ذیل چند عنوان قرار می‌گیرد:

الف) لزوم تشکیل و حفظ نظام اسلامی

به دنبال آنچه در بحث انواع انتظار گذشت، گاهی از انتظار، برداشت منفی می‌شود که در این صورت، انتظار به مفهومی برای تخدیر و مانعی برای حکومت تبدیل خواهد شد (آصفی، بی‌تا: ۲۲). اما برخی از فقها، ایجاد حکومت اسلامی توسط عالمان دینی را در راستای بعثت انبیاء به شمار آورده و جان تازه‌ای به معنای انتظار بخشیدند.

امام خمینی رحمته‌الله علیه در این باره می‌گوید:

هدف بعثت انبیا به مسئله‌گویی محدود نمی‌شود و این‌گونه نیست که آنان تنها همین مسئولیت را به فقها واگذار کرده باشند. در حقیقت، مهم‌ترین وظیفه انبیاء، برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. این مهم با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود؛ مانند رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند (موسوی خمینی، بی‌تا(ب): ۷۰).

رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید:

ایجاد و حفظ نظام اسلامی بالاترین معروف است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

از منظر روایات نیز، در مقدمه قیام امام، سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد. آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه‌ای از این قیام‌هاست. این جریان‌ها نیز بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی روایات، سخن از دولت حقی است که تا قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه پیدا می‌کند.^۱ بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولت‌های شیعی معاصر خود حُسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه خواهد یافت، همان سلسله دولتی باشد. این احتمال هرچند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده، اما حکایت گر آن است که استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث این نبوده که جناح حق و عدل باید به کلی نابود شود تا دولت مهدوی ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح عدل و تقوا بر جناح ظلم و فساد تلقی می‌کرده‌اند. در نتیجه قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است (مطهری، بی تا: ج ۲۴، ۴۴۰).

به نظر نگارنده، قیام حقی که پیش از ظهور رخ می‌دهد و شکل دهی نظام اسلامی در زمان غیبت، کارویژه ولی فقیه به شمار می‌رود و او تنها کسی است که می‌تواند در زمان غیبت، از عهده انجام این کار برآید. ویژگی‌های که برای ولی فقیه تعریف شده است، ذهن را برای شناخت این حقیقت یاری می‌رساند. ایجاد حکومت بر پایه قوانین و احکام اسلامی و نظارت بر حُسن اجرای آن، از کسی توقع می‌رود که در استنباط آموزه‌های دینی به درجه اجتهاد رسیده باشد. به حکم تدبیر و سیاست‌ورزی بتواند کشور را اداره کند و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی داشته باشد. در زمان غیبت امام معصوم، کسی که جامع این اوصاف باشد، همان

۱. روایات متعددی در این خصوص نقل شده است که می‌توان به دو نمونه از آنها اشاره داشت:
 الف) رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَلُونَ لِمَهْدِيٍّ؛ مردمی از مشرق قیام می‌کنند و برای ظهور مهدی زمینه چینی می‌کنند» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۵۳).
 ب) امام باقر علیه السلام: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شَهْدَاءٌ؛ گویی قومی را می‌بینم که از شرق خروج کرده‌اند و خواستار حَقند، ولی به آنان داده نمی‌شود. سپس دوباره خواستار حَقشان می‌شوند و به آنان نمی‌دهند. چون چنین ببینند شمشیرها برهنه کنند و بر گردن‌هایشان بگذارند. در این وقت حَق آنان را بدهند ولی آنان نپذیرند تا آن‌که قیام کنند و آن را جز به صاحب شما تحویل ندهند. کشته‌گان‌شان شهیدند» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳).

نائب عامی است که در احادیث به او ارجاع داده شده^۱ و در اصطلاح ولی فقیه نامیده می‌شود. فقها نیز به روایات مختلفی استدلال کرده‌اند که ولایت در زمان غیبت معصوم باید بر عهده فقیه قرار بگیرد. محقق نراقی به روایت امام رضا علیه السلام^۲ استدلال کرده و این امر را ثابت نموده است (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۳۵). امام خمینی رحمته الله علیه روایت امام هشتم را کبری قرار می‌دهد و به روایت دیگری ضمیمه می‌کند که فقها را امنای رسولان^۳ معرفی نموده است. سپس نتیجه می‌گیرد که فقها باید رهبر ملت باشند، تا نگذارند اسلام مندرس شود و احکام آن تعطیل شود (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۷۳-۷۴).

تأثیر حضور و همراهی مردم در ایجاد نظام اسلامی را نیز باید به عنوان حقیقتی انکارناپذیر به خاطر سپرد. از اسباب مهمی که از ایجاد حکومت الهی در طول تاریخ جلوگیری کرده، عدم اقبال از جانب مردم است. اما باید به این نکته نیز توجه نمود که اصل ایجاد ولایت، با پذیرش مردم حاصل نمی‌شود. همان‌گونه که نبی و امام از جانب خداوند متعال منصوب می‌شوند و دیگران نمی‌توانند آنان را از ولایت عزل کنند، ولی فقیه هم در صورتی که شرایط در او حاضر شود، بنابر احکام عامی که از ائمه علیهم السلام صادر شده است، به ولایت می‌رسد و مردم توانایی کنار گذاشتن او از مقام ولایت را ندارند؛ اگرچه ممکن است در دورانی، مردم به رشد فکری و ایمانی لازم نرسیده باشند و او را به عنوان ولی خود نپذیرند؛ همان‌گونه که در عصر ائمه معصومین علیهم السلام چنین امری پیش آمد. امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خداوند متعال و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امامت منصوب شده بود. با این وجود در خطبه‌ای که ایراد فرمود، حضور مردم را سبب اتمام حجت بر پذیرش خلافت دانست. مراد حضرت علی علیه السلام در این سخنان، پذیرش یا عدم پذیرش امامت نیست؛ بلکه منظور حضرت، پذیرش رهبری و خلافت دنیایی است که آن را پست‌تر از آب بینی بز معرفی می‌کند و مقبولیت مردم را به عنوان معیار حکومت ظاهری به حساب آورده است. حضرت علی علیه السلام خلافت و حکومت را به سبب حضور مردم

۱. «و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً على هواه مطيعاً لأمر مولاة فللعوام ان يقلدوه؛ و اما هر يك از فقهاء كه خوددار و حافظ دين خود و مخالف هواي نفس و مطيع فرمان مولاي خود باشد عوام حق دارند از او تقليد كنند» (حز عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ۱۳۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۵۶).

۲. «أَنْتَ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لَدَرَسَتْ الْمِلَّةُ، وَ ذَهَبَ الدِّينُ... اگر خداوند برای آنها امامی را قرار ندهد که قیم بر امور آنها باشد، امین بر آنها و حافظ دین و دنیای آنها و گنجینه ذخیره اسرار الهی باشد و در سینه خود علوم و امانات الهی را حفظ کند، ملت و دین از بین می‌رود...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۱۰۱).

۳. «الْفُقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُلِ؛ فقها امین پیامبرانند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۶).

پذیرفت و فرمود:

اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر بر من نبود و اگر پیمان خدا از دانشمندان نبود که در مقابل پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند و دست روی دست نگذارند، همانا افسار خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و مانند روز اول کنار می‌نشستم (خطبه ۳).^۱

بنابراین، اگرچه ایجاد و حفظ نظام اسلامی از شئون پیامبر ﷺ و امام به حساب می‌آید و در غیاب آنان درباره ولی فقیه نیز صادق است (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۷۰)؛ اما باید مقتضی برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم باشد که از مهم‌ترین آنها اقبال امت است.

ب) هدف از تشکیل نظام اسلامی

حکومت اسلامی‌ای که توسط ولی فقیه اداره می‌شود، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند:

۱. اجرای احکام و حدود الهی: آنچه در بُعد فقهی و حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که بسیاری از احکام اسلامی که جنبه اجتماعی دارند، تنها در صورت موجودیت حکومت اسلامی قابل اجرا هستند؛ مانند اجرای حدود (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش: ۲۴۵) و چون حکومت اسلام حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر، دین‌شناسان؛ یعنی فقها، باید متصدی آن باشند. ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنامه‌ریزی کشور مراقبت دارند (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۷۲).

۲. توسعه دین‌مداری در سطح جامعه: جاودانگی اسلام اقتضا دارد در عصر غیبت، دو شأن تعلیم دین و اجرای احکام اسلام تداوم یابد که این دو وظیفه بر عهده نایبان ولی عصر ﷺ است. فقیهان عادل و اسلام‌شناس از سویی با اجتهاد مستمر، احکام کلی شریعت را نسبت به همه موضوعات و از جمله مسائل جدید تبیین می‌نمایند و از سوی دیگر با اجرای همان احکام استنباط شده، ولایت اجتماعی و اداره جامعه مسلمین را تداوم می‌بخشند (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش: ۲۳۷).

همان‌گونه که در استقرار حکومت اسلامی، صرف عنوان ولایت کفایت نمی‌کند و باید دین را به زندگی مردم وارد کرد. مردم نمی‌توانند در فضای سیاسی و اجتماعی‌ای که برخاسته از

۱. «لولا حضور الحاضر و قیام الحجج بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم لالقیة حبلها علی غاربها و لسقیة آخرها بکاس اولها».

آموزه‌های اهل طاغوت است، بر ایمان و اعمال صالح ثابت قدم باشند (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۳۵). بعد از استقرار حکومت و نظام اسلامی نیز، جریان انداختن دین در زندگی مردم شدت می‌یابد و تعابیری مانند این که «ما نمی‌خواهیم مردم را به زور به بهشت ببریم» مغالطه‌آمیز است. متدین شدن مردم وظیفه نظام اسلامی است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰).

پیش از این گذشت، در روایت آمده است که امر ظهور محقق نمی‌شود، مگر این که شقی و سعید به نهایت کار خود برسند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۳۴۶). در دو قطبی شدن مردم پیش از ظهور، دین‌مداری باعث می‌شود پیروان ولی فقیه در جبهه سعادت قرار گیرند.

۳. بصیرت‌افزایی در سطح عمومی: در تمام دوران‌های حساس تاریخی، فتنه‌هایی ایجاد می‌شود که تشخیص حق را بر مردم سخت می‌کند. عموم مردم برای برون رفت از این معضلات به شاخص نیاز دارند. چون تشخیص جبهه حق برای مردم ناممکن یا بسیار دشوار است، در هر دورانی، شخصی علمدار حمل پرچم حق می‌شود. کسی توان حمل این بار را دارد که پیرو راستین امیرالمؤمنین علیه السلام باشد؛ زیرا به فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله: «علی با حق است و حق با اوست»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش: ۸۹) و به فرموده امام علی علیه السلام: «این پرچم را به دوش نمی‌کشد، مگر آن که اهل بصیرت و استقامت و دانا به موارد حق باشد» (خطبه ۱۷۳).^۲

در باره فتنه‌های زمان غیبت هم آمده: «به خدا سوگند [فرزندم] غیبتی می‌کند که کسی از مهلکه نجات نمی‌یابد جز آن که خداوند او را در عقیده به امامتش ثبات قدم داشته باشد»^۳ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۳۸۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ج ۲، ۳۹۵) یعنی امت باید به امام متصل باشد. در هنگام غیبت امام نیز باید از نزدیک‌ترین شخص به او که همان نائب عام ایشان است، تبعیت و رهجویی کند. آن که به لحاظ علمی می‌تواند معارف الهی را از متون دینی استخراج کند و کلام حضرت علی علیه السلام را به مدلول حقیقی‌اش فهم کند و بتواند آن اصول را بر حوادث روز تطبیق دهد؛ یعنی مجتهد و آگاه به مسائل روز باشد و در فهم مسائل سیاسی خردورز باشد، همان ولی فقیه است. یک نمونه از این رهنمودها، نقش مؤثر رهبر معظم انقلاب در بصیرت‌بخشی به امت پیرامون حوادثی است که در فتنه بعد از انتخاب دولت دهم رخ

۱. «علی مع الحق و الحق معه».

۲. «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ».

۳. «وَ اللَّهُ لَيُعَيِّنَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الشُّهْلَكَةِ إِلَّا مَنْ يُشِئْتُهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ».

داد(۱۳۸۸ش). حوادثی که نه تنها نظام جمهوری اسلامی؛ بلکه اصل اسلام را هدف قرار داده بود. راهنمایی مردم در این عرصه، سبب فائق آمدن بر فتنه‌ها و پذیرفته شدن در ابتلائات و آزمون‌های الهی می‌شود و باقی ماندن در سپاه سعادت‌مندان را نتیجه می‌دهد.

بصیرت‌افزایی امت، با مشارکت دادن آنها در امور مهم حکومتی نیز دنبال می‌شود. ولی فقیه فردی را به عنوان رئیس‌جمهور تنفیذ می‌کند که عموم مردم او را انتخاب کرده باشند. هشیار شدن مردم در انتخاب دولت‌مردان، سطح بصیرت سیاسی را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، رهبری به دولت منتخب امکان آزمون و خطا در برنامه‌های کلان و خرد را می‌دهد، در عین پافشاری بر خطوط اصلی نظام که برگرفته از اهداف بعثت انبیاست؛ بصیرت‌بخشی در سطح عمومی، امت را برای پذیرش حکومت مهدوی آماده می‌کند و آنها را در مواجهه با مدعیان دروغین ایمن می‌سازد.

۴. گسترش عدالت: از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء، گسترش عدالت است. در صورتی که نظامی غیرحق بر جامعه‌ای حکومت کند، ظالمان یا استعمارگران بر مردم مسلط می‌شوند و نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ظالمانه‌ای را تحمیل می‌کنند. علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

من حکومت را به این دلیل قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستم دیدگان ساکت ننشینند (خطبه ۳).^۱

وظیفه علمای اسلام و مسلمانان است که به اوضاع ظالمانه خاتمه بدهند و حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۳۷-۳۸). بصیرت‌افزایی، اجرای احکام، گسترش عدالت و دین‌مداری اموری هستند که ولی فقیه به تبعیت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به انجام می‌رساند؛ اما غرض نهایی و اصیل در تمام این موارد، برپایی حکومت حق در سطح جهان است؛ همان‌گونه که غرض اصلی انبیاء و ائمه علیهم السلام چنین بوده است. لازمه رسیدن به ولایت در عرصه جهانی این است که امت بصیر شوند، عدل

۱. «وَمَا اخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقِيَتْ خَبَلُهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسَقِيَتْ آخِرُهَا بِكَاسِ أُولَئِهَا».

و دین در جامعه رواج یابد. بنابراین ولی فقیه به منظور فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای حکومت جهانی مهدوی و به تبع آن غرض اصیل است که به انجام این امور اقدام می‌کند.

۲. کارویژه اجتماعی ولی فقیه در کادرسازی حکومت مهدوی

آنچه از ولی فقیه در عرصه اجتماعی انتظار می‌رود، به حوزه فرهنگ، علم، تمدن و دین ارتباط می‌یابد. از میان مسائل اجتماعی گوناگون، برخی ارتباط وثیق‌تری با حوزه دین دارد. ولی فقیه به عنوان نائب عام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وظایفی بر عهده دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، پرورش نیرو به منظور کادرسازی در حکومت جهانی و آماده‌سازی امت است. دو فاکتور مهم را باید در نیروسازی مورد توجه قرار داد، رشد کمی و رشد کیفی. در نوشتار حاضر، عنوان افزایش جمعیت به شاخص کمی و عنوان نخبه‌پروری به شاخص کیفی می‌پردازد.

الف) افزایش جمعیت

جمهوری اسلامی انتظار را به تلاش برای تربیت نیروی کارآمد در عرصه جهانی معنا کرد و یکی از رسالت‌های خود را کادرسازی نیروهای توانمند برای مدیریت‌های بین‌المللی قرار داد. ولی فقیه این جریان را در عرصه کلان مدیریت می‌کند و نیروهای مسلمان در سراسر جهان را جهت‌دهی کرده و با یکدیگر پیوند می‌دهد. یکی از عوامل تأثیرگذار در این روند، رشد جمعیت مسلمانان است که با افزایش تعداد آنها، قدرت اسلام در عرصه جهانی بالا می‌رود و نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدها به حساب می‌آید؛ همچنین ضریب حضور نیروهای باکیفیت را افزایش می‌دهد.

غرض از افزایش جمعیت، قدرت‌یابی نظام اسلامی است که از خطوط اصلی نسخه بعثت گرفته شده است. در قرآن فرموده: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید» (انفال: ۶۰).^۱ این قوت در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه قوت نظامی است. قوت ابعاد وسیعی دارد: قوت اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و تبلیغی. حفظ جمعیت جوان کشوری یکی از ابزارهای قوت است (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳).

نکته ویژه‌ای که به صورت مکرر در بیانات رهبر فرزانه انقلاب عنوان شده است و از طرفی به

۱. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ».

فرهنگ عمومی ربط می‌یابد و از جانب دیگر به حوزه مهدویت منتهی می‌شود، مسئله رشد جمعیت است. کارویژه ولی فقیه در مسئله مزبور را می‌توان ذیل چند عنوان معرفی نمود: شناخت مشکلات، راهنمایی و راهبری با ارائه برنامه و اعلام سیاست‌های کلی، نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها.

۱. **شناخت مشکلات:** ولی فقیه به عنوان حاکم، موظف نیست در روند اجرایی، وضع قانون یا احکام قضائی به صورت شخصی دخالت نماید. هر یک از این امور، بر حسب وظایف تعیین شده در قانون اساسی، به قوای سه‌گانه ارجاع داده شده است و رهبری، با اعطای احکامی، رؤسای این قوا را به ریاست آن قوه تنفیذ می‌کند. شأن حاکم، رهبری و هدایت مسئولان و امت اسلامی است. در گام نخستین، رهبر جامعه باید آسیب‌هایی که متوجه امت هست را شناسائی نماید. از این رو، در شرایط ولی فقیه بیان شده که باید بینش صحیح سیاسی و اجتماعی داشته باشد. (اصل ۱۰۹ قانون اساسی) ولی فقیه به حکم آگاهی از مسائل روز، حرکت جمعی جمهوری اسلامی را رصد می‌کند و بلکه روند تمام جوامع مسلمان و غیرمسلمان را به ارزیابی نشسته است. داشتن نگاه کلان به حوادث گذشته، حال و آینده، توانایی تشخیص آفات و آسیب‌های احتمالی نیز از اموری است که با داشتن مدیریت و بینش صحیح حاصل می‌شود. مقام معظم رهبری در این بررسی‌ها، روند کاهشی جمعیت کشور را در سال‌های اخیر خطرناک توصیف نموده و ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت را غلط خواند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳). رهبری نخستین کسی بود که به این خطر اشاره کرد و دغدغه خود را به صورت علنی بیان فرمود.

۲. **راهنمایی و راهبری امت:** پس از این‌که مشکلات و آسیب‌ها شناسائی شد، زمان برطرف نمودن آن فرا می‌رسد. این مهم از طریق ارائه برنامه‌های بنیادین و کلان ممکن خواهد بود. شاید بتوان این راهنمایی را یکی از مصادیق اصل ۱۱۰ قانون اساسی دانست که مطابق آن، از وظایف ولی فقیه، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. در بحث حاضر نیز رهبر انقلاب به منظور برون رفت از معضل کاهش جمعیت، رهنمودهایی ارائه داده است. می‌توان آنها را ذیل دو عنوان پی‌گرفت: فرهنگ‌سازی و ایجاد زیرساخت در سطح حاکمیتی.

الف) فرهنگ‌سازی: فرزندآوری و رشد جمعیت که در سالیان نه چندان دور، در جامعه ایرانی - اسلامی، به عنوان هنجار شناخته می‌شد، در زمان حاضر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. گام نخست، به جریان انداختن همان فضای فکری و فرهنگی در ذهن افراد جامعه است.

«فرهنگ‌سازی در مسئله جمعیت مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند» (بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، ۰۶/۰۸/۱۳۹۲). بیانات رهبرانقلاب در سخنرانی‌های عمومی و دیدار با مسئولین، مشتمل بر نکاتی است که سیر منطقی در گفتار ایشان را نشان می‌دهد. برای نشان دادن این سیر، می‌توان از این عناوین یاری جست:

- آگاهی بخشی به مردم: آگاهی درباره این‌که فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است و یک برهه‌ای در کشور این مسئله مورد غفلت قرار گرفت (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۱/۰۲/۱۳۹۲).

- نشان دادن ظرفیت‌های کشور: فراهم بودن مقتضی برای رشد جمعیت و توجه دادن به وجود این ظرفیت، می‌تواند محرک مهمی به حساب آید (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۸/۰۴/۱۳۶۸).

- پررنگ کردن نقش خانه‌داری و مادر: خانه‌داری شغل بزرگ، مهم، حساس و آینده‌ساز است. فرزندآوری نیز یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌ها و وظائف زنان است؛ زیرا ابزار پرورش آن؛ مانند: عاطفه، صبوری، اندام‌های جسمانی ویژه به زنان داده شده است (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

و موارد دیگری همچون به کارگیری ظرفیت افراد با نفوذ در میان مردم که در جای خود قابل بررسی است.

ب) ایجاد زیرساخت‌های لازم در سطح حاکمیتی: حاکمی که در رأس امور کشور قرار می‌گیرد، باید جامعه را به نحو کلان نظاره کند. رهبرانقلاب ذیل دو عنوان مهم به این مسئله ورود کرده است:

- ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت: رهبری ذیل چهارده عنوان، از سیاست‌های کلی در رشد جمعیت نام برد، همچون: افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی، رفع موانع ازدواج و افزایش فرزند، ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی، رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی و... (۱۳۹۳/۰۲/۳۰). این سیاست‌ها نقشه راه جامع و کامل در اختیار مسئولان قرار می‌دهد. با اجرای آنها علاوه بر تأمین هدف رشد جمعیت، موجی از آثار و تبعات مثبت، فرهنگ، اشتغال، سلامت روحی و ارتقای دین‌مداری جامعه را فرا می‌گیرد.

- عنایت به سیاست‌های رشد جمعیت در عرصه قانون‌گذاری و اجرا: پس از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت از جانب رهبری، ارکان نظام و دستگاه‌های ذی‌ربط، به برنامه‌ریزی جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی موّلف شدند (۱۳۹۳/۰۲/۳۰). همچنین برطرف نمودن خلأ قانونی آن بر عهده نمایندگان مجلس قرار گرفت (بیانات با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۲۲).

ج) نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام: مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات رهبر را بیان کرده، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، بر عهده رهبری است. رصد آسیب‌ها و رفع موانع را باید در این مرحله انتظار داشت. رهبری از مهم‌ترین موانع در بحث افزایش جمعیت را، نگاه برخی مسئولین به نسخه‌های خارجی می‌داند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۱).

ب) نخبه‌پروری

نیاز به افراد نخبه در امر ظهور، امری مسلم است. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند (مطهری، بی تا: ج ۲۴، ۴۴۱). از جانب دیگر، جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف خود، به نیروی توانمند نیاز دارد؛ زیرا نیروی انسانی کارآمد، زیرساخت اساسی در پیشرفت کشور و موتور محرک در رسیدن به آرمان‌هاست (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). از این رو، مطابق آرمان‌های خود که همان آرمان‌های حکومت مهدوی است، به تربیت نیرو می‌پردازد. ولی فقیه در تلاش است که نخبگان را به نحوی پرورش دهد و هدایت نماید که قدرت خود در عرصه‌های مختلف را برای برافراشتن پرچم عدالت در جهان و برای حمایت از مظلومان و ایستادگی برابر سلطه‌جویان دنبال کنند (دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴). تبدیل قوه و استعداد افراد به فعلیت و توانمندسازی آنان، در فضای مساعد و با شرایط پیرامونی ویژه امکان‌پذیر است. تأمین این فضا در سایه رهبری آگاه و با برنامه‌ریزی دقیق فراهم خواهد شد.

توجه به یک نکته می‌تواند تحلیل بهتری از مسئله رشد جمعیت حاصل کند و پیوند میان افزایش جمعیت و تأمین نیروی نخبه را یادآور شود. توجه به این مهم که رشد جمعیت، آثاری طبیعی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله این‌که وقتی تعداد افراد بالا باشد، قهراً تعداد افراد

صالح و توانا در آن افزایش می‌یابد (بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۱۳۹۸/۰۱/۰۶).

۳. کارویژه‌های بین‌المللی ولی فقیه

هر یک از اهدافی که در تشکیل نظام اسلامی بیان شد، در رابطه با تمام مردم جهان قابل تعمیم است. همان‌گونه که ولایت امام معصوم به گروه محدودی اختصاص ندارد و نسبت به تمام بندگان ولایت دارد؛ خواه امامت او را پذیرفته باشند و خواه از آن آگاهی نداشته باشند، ولایت نایب او نیز به جمهوری اسلامی ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه به مقداری که از عهده انسان غیرمعصوم برمی‌آید، مردم را در سطح بین‌الملل آماده می‌کند.

الف) شناساندن آموزه‌های مهدوی در سطح جهان

ظهور موعود هنگامی فرا می‌رسد که تمام مردم آمادگی لازم را داشته باشند؛ زیرا حکومت مهدوی، امری جهانی خواهد بود. آماده‌سازی جهانی به قدرت و نفوذ بین‌المللی نیاز دارد. ولی فقیه که دارای وجهه فراملی است، می‌تواند تأثیرگذاری جهانی داشته باشد.

مواضعی که ولی فقیه در برابر حوادث بین‌المللی اتخاذ می‌کند، این آگاهی را به مردم جهان می‌دهد که آرمان نظام اسلامی چیست. آشنایی افکار عمومی با حکومت مهدوی، از طریق شناخت همین آرمان‌ها به دست می‌آید. هنگامی که جمهوری اسلامی به دنبال گسترش عدالت، پناه‌جویی مظلومان، سعادت انسان‌ها باشد، به تمام افراد بشر نشان می‌دهد که اجرای این مفاهیم در عالم واقع، امکان‌پذیر است و انتظار واقعی را به نمایش می‌گذارد. برای مثال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی از عترت و اهل بیت من است... هنگامی که خروج کند، زمین را از عدل و قسط سرشار می‌کند^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۷۴).

پس از شاخصه‌های مهم در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت محوری است. برخی از صفات حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از شئون ولایت نایب او نیز به شمار می‌رود و در نظام جمهوری اسلامی هم لحاظ شده است که وجهه بین‌المللی دارد، این موارد عبارتند از:

۱. استکبارستیزی: برای رسیدن به مرحله ظهور، امری جهت‌مقدمه‌سازی انجام می‌شود تا مقتضی موجود شود و اعمالی باید در جهت مانع‌زدایی صورت پذیرد. مقابله با استکبار که

۱. «إن المهدي من عترتي من أهل بيتي يخرج في آخر الزمان... فيملا الأرض عدلاً وقسطاً».

عمدتاً در عرصه بین‌المللی معنا می‌یابد، نخستین گامی است که باید در معنابخشی به انتظار برداشت. اجرای عدالت، در صورتی تحقق پذیر است که زورگویان از موضع قدرت پائین کشیده شوند. مقابله با زورگویان بین‌المللی به پشتوانه قوی دینی، ملی و بین‌المللی نیاز دارد. از آن جا که ولی فقیه، بر عموم مسلمانان ولایت دارد، اوست که توانایی مقابله با مستکبران جهانی را داراست. امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب نیز بر این مسئله تأکید ویژه داشته‌اند و از شاخصه‌های جمهوری اسلامی به شمار می‌آورند. رهبری فرمودند:

هیچ محدودیتی در چارچوب اصول برای ما در سیاست خارجی وجود ندارد. هیچ‌گردن کلفتی و ژست ابرقدرتی را از هیچ کس قبول نمی‌کنیم (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۶/۲/۱۸).

۲. دفاع از مظلوم: دفاع از مظلوم، کنار نیامدن با ظالم، پافشاری بر حقیقت، اموری است که هرگز در دنیا کهنه نمی‌شود و اصولی است که باید دنبال شوند (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۰/۸/۱۶) و این همان راهی است که اسلام معین کرده است؛ یعنی نه در آن ظلم است و نه بی‌اعتنایی به تجاوزهایی که مردم ظالم نسبت به مردم مظلوم انجام می‌دهند (موسوی خمینی، بی تا (ب)، ۳۷؛ بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۷/۷/۲).

وقتی اسلام به نحو صحیح عمل شود، مسلمانان و حقیقت‌طلبان جهان به آن جذب می‌شوند. اسلامی که امروز در ایران ارائه شده، برخلاف اسلام طالبانی و همچنین اسلام امریکایی یا هضم شده در فرهنگ غربی، اسلامی است که دارای روشنفکری پایبندی به عقاید اسلامی، نوآوری و پویایی است و... برای مسلمانان جهان بسیار جذاب و قابل‌الگو برداری است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴). جمهوری اسلامی به این حقایق، جامه عمل پوشانده و از شعارزدگی به دور است. با ایفای نقش در مسئله سوریه، فلسطین، یمن و... پناهگاه مظلومان بوده و به یاری آنان شتافته است.

ب) ایجاد و حفظ وحدت میان مسلمانان

وحدت و یکپارچه‌سازی جوامع اسلامی به منظور آمادگی امت اسلامی برای پذیرش حاکمیت واحد، از اصول اولیه در حکومت جهانی مهدوی است. این مسئله در آغاز امر با تشکیل حکومت اسلامی قابل اجراست و پس از تشکیل نظام اسلامی، باید ابعاد آن را در سطح بین‌الملل گسترده کرد. قدرت یافتن برای مبارزه با ظالمان با اجتماع قدرت‌های کوچک در کنار هم حاصل می‌شود (موسوی خمینی، بی تا (ب): ۳۶-۳۷). اتحاد مسلمانان فراتر از مرزهای

سیاسی، جغرافیایی و... واقع می‌شود. حمایت از فلسطین، نوشتن نامه به جوانان اروپایی، همکاری مستشاران نظامی جمهوری اسلامی در کشورهای مسلمان، بیانیه سالانه حج و خطاب قرار دادن تمام مسلمانان در مقاومت و... نمونه‌هایی از اعمالی است که ولیّ فقیه به منظور اتحاد بیشتر مسلمانان انجام داده است. به عنوان نمونه رهبری فرمود:

روز قدس یکی از آن جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است (۱۳۸۷/۰۷/۱۰).

ولیّ فقیه در تمام اموری که ذکر آن در این نوشتار گذشت، شأن راهبری و هدایت دارد؛ این گونه نیست که تمام مراحل از ایده تا اجرا و آسیب‌شناسی بر عهده او باشد. شأن هدایتگری او اقتضا می‌کند مردم را در جهت دین و رسیدن به آرمان‌های دینی رهنمون سازد و شأن رهبری او ملازمه دارد با این که دیگران از او تبعیت کنند. این مسئله نقش اطاعت‌پذیری امت را بیش از پیش مهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

معنای صحیح واژه انتظار آمادگی فردی و اجتماعی برای ظهور موعود است که با مضمون روایات و مجموعه آموزه‌های اسلامی هماهنگی دارد. لازمه آمادگی برای ظهور، شروع مقابله با ظلم و فساد است که همان انتظار سازنده و پویا نام دارد. در میان امت اسلامی، ولیّ فقیه به واسطه ویژگی‌هایی که در او احراز شده و جایگاهی که در آن قرار گرفته است، اعمالی از او انتظار می‌رود که دیگران از عهده انجام آن برنمی‌آیند. برخی از این کارویژه‌ها وجهه مهدوی بیشتری دارد و مستقیماً با نیابت عام او از امام معصوم علیه السلام مرتبط است. انجام این اعمال از جانب ولیّ فقیه، انتظار را وارد مرحله‌ای جدید می‌کند؛ به گونه‌ای که نوعی مقدمه‌سازی برای ظهور به شمار می‌آید و روح تازه‌ای به کالبد انتظار می‌دمد.

نقش مهم و پایه‌ای ولیّ فقیه در ایجاد و حفظ نظام اسلامی، نخستین کارویژه ولایت فقیه است که عملکردهایی را به دنبال خواهد داشت؛ از جمله: اجرای احکام، توسعه دین‌مداری، عدالت‌ورزی، بصیرت‌افزایی. این اعمال جز از ولیّ فقیه انتظار نمی‌رود؛ زیرا اجرای این امور بر دانش استنباط شده از متن دین، عدالت و تقوای در رفتار و گفتار، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی متوقف است. کسی که توانایی هدایت و رهبری عمومی را داشته باشد. در اصطلاح به او ولیّ فقیه اطلاق می‌شود.

کلام ولیّ فقیه به عنوان امام امت دارای حجیت شرعی است و نفوذ بالایی در سطح اجتماع

دارد. این امر سبب می‌شود، اعمال مخصوصی از او انتظار رود. آنچه از فاکتورهای اساسی و مهم در معنابخشی به انتظار پویا به حساب می‌آید، تأمین نیروی توانمند و مستعد در کادرسازی حکومت جهانی مهدوی است. ولی فقیه برنامه‌هایی را برای پرورش این نیرو ارائه داده و دنبال می‌کند.

بخشی از کارویژه ولی فقیه نیز به وجهه فراملی او مربوط می‌شود. اقداماتی که لازم است برای آماده‌سازی مسلمانان عالم صورت پذیرد؛ همچون ایجاد و حفظ وحدت میان مسلمان. به علاوه، با گسترش آموزه‌های مهدوی، مظلومان و عدالت‌خواهان جهان را با رسالت انبیاء و آرمان‌های حکومت جهانی مهدوی آشنا می‌کند که نقشه گروه‌های افراطی و التقاطی در وارونه نشان دادن آموزه‌های اسلامی را از بین می‌برد.

کارویژه‌های ولی فقیه در کسوت انتظار برای ظهور موعود، امت را از سردرگمی و گمراهی عصر غیبت خارج می‌سازد و در راستای اشتغال به این امر مهم، کادرسازی حکومت مهدوی را دنبال می‌کند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، اول.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، اول.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.

۵. ابن منظور (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر، سوم.

۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی‌هاشمی، اول.

۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *مکاسب*، قم: بی‌نا، اول.

۸. آصفی، محمد مهدی (بی‌تا)، *انتظار پویا*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، *ولایت فقیه*، قم: اسراء، اول.

۱۰. حرّ عاملی، محمّد (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۱۱. حرّ عاملی، محمّد (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی، اول.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا: نشر کتاب، دوم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بی جا: مکتبه النشر الإسلامی.
۱۵. طبرسی، احمد (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج*، مصحّح: محمّد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۱۶. طوسی، محمّد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم: دارالمعارف الإسلامیة، اول.
۱۷. فیض کاشانی، محمّد محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، اول.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ششم.
۱۹. کلینی، محمّد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم.
۲۰. مجلسی، محمّد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۱. مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. معین، محمّد (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر، نهم.
۲۳. موسوی اصفهانی، محمّد تقی (۱۴۲۲ق)، *مکیال المکارم*، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، فرجه الثانیة.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا «الف»)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا «ب»)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول.
۲۶. مهیار، رضا (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*، تهران: نشر اسلامی، دوم.
۲۷. نراقی، احمد (۱۴۱۷ق)، *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۲۸. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای:

